



یادگیری لذت بخش با کنکاش و کندوکاو

سید میثم موسوی

تصویرگر

الهام رحیمی کازرانی

مربی مهدکودک سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران



کاری من نقش بسیار مهمی داشت. نگاه و دید من نسبت به آموزش و یادگیری دگرگون و به بیان بهتر متحول شد؛ دوره‌ای که بر شیوه‌ای تأکید داشت که کودک در آن نه تنها فعال است، بلکه انگیزه درونی و شادی وصف‌ناپذیری دارد. کنکاش (گفت‌وگوی هدفمند) و کندوکاو (جست‌وجوی هدفمند) دو رکن جدایی‌ناپذیر این روش آموزشی هستند که معلم باید هم در طراحی فعالیت‌های یادگیری و هم به هنگام تدریس و هم در کلاس‌داری خود آن را عملی

به‌عنوان معلم در این سال‌ها از روش‌های گوناگونی برای کار با بچه‌ها استفاده کرده‌ام؛ روش‌هایی که با وجود گذراندن دوره‌های متعدد، هیچ‌کدام نتیجه دلخواه و مطلوبی نداشته‌اند. همیشه به دنبال یک روش نوین، کارآمد و متفاوت بودم تا بچه‌ها در کلاس به وجد بیایند، انگیزه بگیرند و لذت ببرند، تا اینکه تقریباً یک سال پیش با یک دوره بی‌نظیر و پرچالش آشنا شدم. مدرس دوره استادی باسواد، متفاوت و متفکر بود. این دوره در شروع برهه جدیدی از زندگی



مهم‌ترین چیز داخل آن است. از بچه‌ها می‌پرسیدم که فکر می‌کنند داخل جعبه چیست؟ چه کسی می‌تواند حدس بزند؟ بچه‌ها با ذوق و شوق جواب می‌دادند: «خانم عروسک! خانم گل! خانم شکلات! و ...»

برای اینکه اشتیاق بچه‌ها بیشتر شود، به آن‌ها گفتم هر کس داخل جعبه را دید، باید راز آن را حفظ کند. کسی نباید به کس دیگری بگوید داخل جعبه چه چیزی دیده است. همه با صدای بلند قبول کردند. آن‌ها برای دانستن اینکه درون جعبه چیست، خیلی هیجان داشتند. یکی از بچه‌هایی را که کم‌طراقت‌تر از بقیه بود انتخاب کردم. با احتیاط و آرام در برابر دیدگان مات و مبهوت بقیه جعبه را باز کرد. خودش را داخل جعبه دید! ذوق‌زده شد! باورش نمی‌شد چیزی که داخل جعبه است، خودش باشد.

به این ترتیب، تک‌تک بچه‌ها آمدند و خودش را در آینه کف جعبه تماشا کردند. همه از جعبه شگفت‌انگیز خوششان آمده بود و از چیزی که داخل آن دیده بودند لذت می‌بردند. هر یک با سر و صدای زیاد می‌گفت که جعبه شگفت‌انگیز مرا نشان داد! گاهی حتی جر و بحث می‌شد!...

کند. بر اساس این شیوه، فعالیتی که ایجاد چالش و مسئله کند و خود کودک به کشف و حل مسئله دست یابد، تنها فعالیت یادگیری مناسب است. این جرقه به‌ظاهر کوچک، آتش‌فشان بزرگی در شیوه آموزشی من ایجاد و تجربه‌های ارزنده‌ای برایم فراهم کرد. اکنون می‌خواهم نمونه‌هایی از آن تجربه‌های جذاب را برایتان بازگو کنم.

نمونه ۱: جعبه شگفت‌انگیز!

هدف تدریس من این بود که کودک خود را موجودی منحصر به فرد و یگانه بداند. و اما ماجرا...

از قبل با بچه‌ها در مورد اینکه کلاس ما یک کلاس شگفت‌انگیز است صحبت کرده بودم. به آن‌ها گفته بودم در کلاس کارهای عجیب و غریب و در عین حال جذاب خواهیم داشت. بالاخره تصمیم به اجرای این فعالیت گرفتم.

داخل یک جعبه آینه‌ای گذاشتم. جعبه را تزئین کردم، طوری که خیلی جلب‌نظر کند. آن را به کلاس آوردم و با کلی آب و تاب و هیجان شروع کردم به صحبت در این باره که این جعبه شگفت‌انگیز است، زیرا دوست‌داشتنی‌ترین و

بعد از اینکه آخرین نفر خودش را دید، یک حلقه کنکاش (برای گفت‌وگوی هدفمند) تشکیل دادیم. از بچه‌ها پرسیدم، داخل جعبه چه دیدید؟ دوست‌داشتنی‌ترین و مهم‌ترین چیز داخل جعبه چه بود؟ جعبه شگفت‌انگیز به ما چه می‌گوید؟ هر کس جوابی می‌داد. کلی بحث و گفت‌وگو کردیم. احساس می‌کنم آن روز واقعا روز خوبی بود. بچه‌ها از این فعالیت لذت بردند. احساس خوبی نسبت به خودشان داشتند و اعتمادبه‌نفس زیادی پیدا کردند؛ حتی یکی از شاگردان کلاس به نسبت به بقیه جت‌ریز تر و قد کوتاه‌تری داشت و این وضعیت همیشه اذیتش می‌کرد. وقتی از او پرسیدم دوست‌داشتنی‌ترین و مهم‌ترین شخص کی بود؟ با خوش حالی گفت: نیکان!

نمونه ۲: بنفش خوردنی!

هدف تدریس من عبارت بود از «کشف یک رنگ جدید و همکاری بچه‌ها با هم». و اما ماجرا...

بچه‌ها ترکیب رنگ‌های سبز و نارنجی را یاد گرفته بودند. این کار را با ریختن رنگ‌ها به داخل بطری و تکان دادن آن هم انجام دادند و کلی ذوق کردند. اما رنگ بنفش هنوز مانده بود. نمی‌خواستیم این ترکیب‌ها را با عجله انجام بدهیم، چون بچه‌ها رنگ بازی را در کل خیلی دوست دارند. به همین خاطر تصمیم گرفتم بچه‌ها از طریق یک آزمایش جالب به این کشف دست پیدا کنند. اول هفته به آن‌ها گفتم: این هفته آزمایش داریم... باز هم یک کار شگفت‌انگیز دیگر!... هر روز می‌پرسیدند خانم چه کار می‌خواهیم بکنیم؟

روز موعود فرا رسید. داخل کلاس یک زنگوله دارم. آن را صدا در آوردم و با حالت بسیار متعجب گفتم: «زنگ آزمایش است! بچه‌ها از ذوق هورا کشیدند. یک ظرف بزرگ پر از آب روی میز وسط کلاس گذاشتم. چند عدد پنبه آرایشی هم به تعداد بچه‌ها روی میز گذاشتم. ماژیک‌های آبی و قرمز هم کنار بقیه وسایل قراردادام. همه چیز برای یک آزمایش جالب و جذاب مهیا بود. بعضی بچه‌ها بالا و پایین می‌پریدند. آن‌ها را دو گروه کردم. به دلخواه خود رنگ‌های آبی و قرمز را انتخاب کردند و با ماژیک شروع کردند به رنگ کردن پنبه‌ها. بعد از رنگ‌آمیزی، یک پنبه آبی و یک پنبه قرمز داخل آب انداخته می‌شد و آب به رنگ بنفش در می‌آمد. بچه‌ها با تعجب بسیار فریاد می‌زدند: خانم، بنفش شد! می‌بینید؟! من هم با ذوق، که انگار تا به حال نمی‌دانستم، می‌گفتم: وای! خیلی عجیب است! در پایان کلاس بچه‌ها گفتند: خانم، کاش بشود یک آزمایش خوردنی انجام بدهیم!

به آن‌ها قول دادم هفته بعد یک آزمایش جذاب خوردنی انجام دهیم. دل توی دلشان نبود. هر کدام دو ظرف آوردند و قاشق. من هم دو ظرف ژله قرمز و آبی تهیه کردم.

ظرف‌ها روی میز آماده بودند. اول رنگ آبی ژله را با آب درست کردند. بعد در ظرف دیگر، قرمز را، در آخر هم دو رنگ را با هم مخلوط کردند. دوباره رنگ بنفش ساخته شد.

نمونه ۳: دوستی رنگ‌ها!

هدف تدریس من عبارت بود از کشف رنگ جدید، شناخت تفاوت‌ها و پی‌بردن به منحصربه‌فرد بودن، همکاری. و اما ماجرا...

اواخر آبان‌ماه به صفحه‌ای از کتاب درسی که درباره ترکیب رنگ‌های اصلی بود، رسیدیم. کتاب رنگ‌ها را به صورت لکه کشیده و با علامت + به این نتیجه رسیده بود که با ترکیب دو رنگ، رنگ جدیدی تولید می‌شود. بچه‌ها هم باید رنگ جدید را در کتاب فقط رنگ می‌کردند.

یادم هست، آن هفته واحد کار پاییز را داشتیم. تصمیم گرفتم یک کار گروهی انجام بدهیم. به این صورت که سه رنگ اصلی را روی میز گذاشتم. با هیجان به بچه‌ها گفتم، امروز دوباره می‌خواهیم یک کار شگفت‌انگیز انجام بدهیم. بچه‌ها درباره رنگ‌ها و دلیل گذاشتن آن‌ها روی میز کنجکاوی می‌کردند. گفتم می‌خواهیم رنگ‌ها را با هم دوست کنیم.

- خانم، مگه می‌شه رنگ‌ها رو دوست کرد؟!

- بله ... دوست دارید امتحان کنید؟

همه با شوق موافقت کردند. بچه‌ها آزاد بودند هر دو رنگی را که دوست دارند، به نوک انگشت خود بزنند و انگشت‌ها را به هم بزنند تا دوست شوند. به این ترتیب رنگ‌های جدیدی ساخته و توسط آن‌ها کشف می‌شد. مثلاً آن‌ها ترکیب رنگ‌های نارنجی و سبز را کشف کردند.

درخت بزرگی کشیدم و به بچه‌ها گفتم، کشیدن برگ‌های درخت با شما. آن‌ها هم با ترکیب رنگ‌ها، برگ‌های سبز و نارنجی را روی درخت چاپ کردند و در آخر با پاستل تنه درخت را با همکاری هم رنگ کردند. به این ترتیب یک تابلوی زیبا با همکاری و کشف رنگ‌ها توسط خودشان خلق شد.

